

تأثیر عوامل محیطی بر ساختار موسیقی نواحی کوهستانی در قلمرو کوچ نشینان (مورد: موسیقی هورامان (سیاه چمانه))

رحمت‌الله بهرامی* - دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۸ آذر ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۲۱ اسفند ۱۴۰۲

چکیده

مقدمه: متون ادبی ترانه‌های هورامی، یکی از متون اصیل موسیقی کهن ایران است. این متون ادبی پیوند نزدیکی با عوامل محیط جغرافیایی دارد.

هدف پژوهش: پژوهش با هدف بررسی نقش عوامل جغرافیایی در متون ادبی موسیقی مناطق کوهستانی هورامان است.

روش‌شناسی تحقیق: این پژوهش از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی است. از مطالعات میدانی که به صورت نیمه ساختار یافته انجام گرفته که در آن متون ادبی ترانه‌های محلی با موسیقی مورد بررسی قرار گرفته است. متغیرهای طبیعی پژوهش شامل ناهمواری‌ها، ارتفاعات، اقلیم و پوشش گیاهی است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: محدوده جغرافیایی مورد بحث هورامان لهون واقع در شمال غربی استان کرمانشاه است.

یافته‌ها و بحث: فرهنگ فولکور هورامان از ظر موسیقی غنی است. از میان ترانه‌های هورامی، سیاه چمانه به عنوان نماد ترانه‌های هورامی انتخاب شده است. در متون ادبی سیاه چمانه، شرایط معیشت (دامداری و کوچ) از زبان طبیعت باز خوانی و نقش عوامل طبیعی مانند آب و هوا توام با ناهمواری‌ها در تراکم و تنوع پوشش گیاهی، حیات پرندگان، جانوران و تنوع چشم‌اندازهای مکانی برای کوچ و جابجایی به منظور تغلیف دام‌ها، تاکید شده است. سیاه چمانه فاقد آلات موسیقی بوده و صرفاً از صدای پرندگان مانند کبک به عنوان ساز استفاده شده است. متون ادبی سیاه چمانه در میان موسیقی هورامی از مقام بالایی برخوردار بوده، عرفا و سایر سلوک مذهبی از این متون ادبی در سما استفاده می‌کنند.

نتایج: حفظ هویت فرهنگ متون ادبی در موسیقی کهن هورامی که ریشه در فرهنگ ایران باستان دارد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

کلیدواژه‌ها: ترانه محلی، متون ادبی، عوامل جغرافیایی، هورامان، سیاه چمانه.

مقدمه

بدون شک طبیعت تأثیری مستقیم بر روح و جسم انسان و دیگر موجودات این کره خاکی دارد. قرار گرفتن در محیط‌های آرام طبیعی مانند صدای نهرها، و صدای آب، صدای پرندگان، صدای نسیم و هر صدای دیگر طبیعی نوعی آرامش روحی- روانی به انسان می‌بخشد. به عبارتی با شکوه‌ترین سمفونی خلقت، طبیعت است. طبیعت مملو از صداهای بی‌شماری است که هزاران سال پیش از زندگی بشر وجود داشته‌اند (Wade, 2011: 25). مناطق کوهستانی به دلیل تنوع چشم اندازهای جغرافیایی از قبیل تنوع خاک و نوع پوشش گیاهی و ناهمواری‌ها از گستردگی صدای برخوردار است. از این رو مناطق کوهستانی بیشترین صداهای طبیعی را دارا بوده و صدای انسان‌های ساکن این مناطق نیز از انرژی بیشتری و رساتر به نظر می‌رسد. این بدان معناست انسان‌ها نیز از همان ابتدا از همین اصوات طبیعت برای برقراری ارتباط با یکدیگر الهام گرفته‌اند. موسیقی با ایجاد اصوات به‌عنوان الگویی از صداهای مختلف برای بیان و انتقال اهداف عاطفی، اجتماعی، فرهنگی و ... استفاده می‌کردند. عوامل محیطی مانند رقص گل‌ها و سبزه‌ها در برابر نسیم باد، آوای امواج بر ساحل دریا، آهنگ جریان آب رودخانه‌ها، صدای آبشاران، آواز پرندگان درباغ و بوستان و کوهستان، همگی سمفونی بزرگی از طبیعت هستند. موسیقی طبیعت، ساختاری کاملاً واقعی از دل طبیعت بوده که با فطرت انسان سازگار و مرتبط است (خاتونی و کلاهی، ۱۳۹۸: ۱۱۷). به هر میزان آوای موسیقی به طبیعت نزدیک تر شود، در واقع به ذات خود انسان نزدیک شده است. زیرا اصوات چیزی نیستند، جز روح طبیعت اند (ماجدی و شاملوکیا، ۱۳۹۰: ۹۳). انسان با الهام از این اصوات طبیعی، صدای خود را با آنها همساز کرده و از این طریق روح و روان خود را آرام کرده است. در واقع پناه بردن به دامان طبیعت برای بازسازی روحی و سلامت جسمانی انسان بسیار لازم است (Bonde, 2011: 8). با گذشت زمان و توسعه علوم و فنون، موسیقی کم کم از رنگ و بوی طبیعی خود فرارفته و رنگ و بوی فرهنگی به خود گرفت. از این طریق انسان اندیشه‌های خود را به زبان موسیقی بیان و نقش مسلط عوامل طبیعی کم رنگ شدند.

از آنجائی که اصوات موسیقی بر گرفته از شرایط محیط طبیعی و انسانی است به عنوان یک موضوع جغرافیایی تلقی می‌گردد. و به عنوان یک عامل مهم جغرافیایی در تکامل تمدن‌ها نقش اساسی داشته است. مطالعه موسیقی به صورت علمی در سال ۱۹۹۰ وارد ادبیات علمی جغرافیا گردید (Doughty & et al: 2019). اولین مطالعات محیط صوتی توسط جغرافیدان فنلاندی Granö (۱۸۸۲-۱۹۵۶) انجام شد. جغرافی دانان انسانی حداقل ۵۵ سال روی مسائل مربوط به موسیقی و صدا کار کرده اند. امروزه جغرافیای موسیقی به عنوان سررشته‌ای در متون جغرافیای فرهنگی محسوب می‌گردد (Canova: 2013: 866).

موسیقی محلی و مقامی به لحاظ ویژگی‌های خاصی که دارد می‌توانند آئینه تمام نمای مردم، فرهنگ و هنر هر ناحیه از ایران باشد. موسیقی هر قوم و ملتی با آن ملت متولد می‌شود. در حقیقت آهنگ‌های محلی، چکیده‌ای از زندگی و احساسات پاک و بی‌آلایش افراد زحمت کش است (ماجدی و شاملو، ۱۳۹۰: ۹۶). موسیقی محلی مناطق کوهستانی به دلیل وابستگی با طبیعت از ویژگی خاص خود از قبیل دو صدایی و کف زدن به جای موسیقی و استفاده از صدای پرندگان استفاده می‌کنند. موسیقی محلی اقوام ایرانی به نوعی رنگ طبیعت‌گرایی در آنها مشاهده، که نشان از وابستگی و تسلط عوامل طبیعی بر رفتار و کارکردهای انسان طی دوران خاص بوده است. از آنجائی که بین موسیقی و عوامل طبیعی به ادعان اهل فن موسیقی ارتباط مستقیمی وجود دارد می‌تواند در اتمسفر دانش جغرافیای انسانی مورد مطالعه قرار بگیرد. البته متأسفانه در کشورمان جغرافیدانان کمتر به موضوعات فرهنگی از جمله ارتباط موسیقی با عوامل جغرافیایی پرداخته‌اند. این مقاله در نظر دارد نقش و تأثیر عوامل محیط جغرافیایی را بر موسیقی هورامی بررسی کند. چه بسا از طریق متون و نوع موسیقی‌های سنتی و اصیل می‌توان شرایط زیست انسان‌ها را در دوره‌های مختلف مورد بررسی قرار داد. موسیقی‌های سنتی و اصیل محلی غالباً متون ادبی و سبک ملودی آنها کمتر دستخوش تغییرات بوده که به نظر می‌رسد در سبک ملودی و متون ادبی موسیقی نقش مسلط عوامل طبیعی بر رفتار کارکردی ساکنین محلی بخ خوبی قابل بازخوانی و شناسایی است.

با نگاه جغرافیایی به نقشه ناهمواری‌های استان کردستان و کرمانشاه نشان می‌دهد بخش اعظم سرزمین هورامان را نواحی مرتفع و کوهستانی تشکیل می‌دهد. این ناهمواری‌ها بر تشکیل اجتماعات انسانی، نوع معیشت و فرهنگ مردم تأثیر گذار بوده است. عامل ناهمواری موجب محدودیت دسترسی افراد به محیط پیرامونی بالاخص شهرها شده است. از این رو طبیعت هورامان نه تنها بکرمانده بلکه امروزه فرهنگ و سنن آنها به مراتب کمتر دستخوش تغییرات و تحولات پدیده مدرنیسم قرار گرفته است. موسیقی هورامی به واسطه ارتباطی که با نوع معیشت دامداری و کوچ روی دارد از نوع کوهستانی است. دامداران کوچ رو به تناسب شرایط آب و هوایی و ناهمواری‌ها به منظور دسترسی به علوفه دامی در طول روز همراه با دام‌ها در حال جابجایی بوده و در حین این جابجایی‌ها، و دیدن تنوع چشم‌اندازهای طبیعی

از انواع حیوانات کوهی گرفته تا صدای نهرها و جویبارها و عطری گیاهان، نوعی ارتباط کلامی با طبیعت از طریق خواندن ابیاتی که در وصف طبیعت بوده، برقرار می‌کنند. یکی از مهمترین ترانه‌های محلی هورامان در این زمینه به نام سیاه چمانه است. در موسیقی سیاه چمانه، داستان کوچ روی و رفتن به دامن طبیعت با نثر و نظمی خاص توسط افراد خوش صدا خوانده تا دیگران همراهان را به وجود در آورند. بنا به اهمیت موضوع که نشانگر حس زیبایی شناسی و به نوعی پاسخی به نیازهای روحی انسان است. این پژوهش تلاش دارد موسیقی هورامی را به عنوان یکی از تراوشات فرهنگی که متأثر از شرایط محیطی است مورد بررسی قرار دهد. در میان موسیقی هورامی، سیاه چمانه به عنوان سمبل ترانه‌های محلی هورامان انتخاب و مورد بررسی جغرافیایی قرار می‌گیرد.

واژه موسیقی برگرفته از ریشه یونانی است. از وقتی که بشر توانست حالات درونی خود را بوسیله صدا نمایش دهد و با کمک صداهای منظم طبیعت وزن را بدست آورد، موسیقی به وجود آمد. جهان پر از اصوات مختلف است و بر پایه توازن و نظم استوار است. هر ملتی داستان پیدایش موسیقی را به نحو خاصی و ضمن افسانه‌ها و داستان‌ها بیان کرده است و این داستان‌ها سینه به سینه و نقل شده‌اند و به نسل‌های بعدی رسیده‌اند. موسیقی سبکی از سرگرمی است که صداهای مختلف را به شیوه‌های در کنارهم قرار می‌دهد که انسان آنرا دوست دارد و یا برایش جذاب است. کنفوسیوس، شعر و موسیقی را ابزاری برای اعتدال وجود انسان می‌دانند و از نظر او شعر برای یاد دادن آرمان است و موسیقی یاد دادن هماهنگی است و هنر خواندن در آن است که بی‌اندیشه نباشد چرا که اندیشه بدون خواندن خطرناک است. کنفوسیوس آرمان‌های زندگی و اخلاق اجتماعی را زائیده انسان دلی می‌داند و می‌گوید انسان اهل دل، نه تنها گونه خاصی از هنر اخلاقی است بلکه آمیزه‌ای از همه هنرهاست (شفیعی کدکنی، ۱۴۰۳: ۹۶). آلفرد توماتیس معتقد است موسیقی با قدرت نفوذی که در احساسات آدمی دارد می‌تواند روی سلامتی انسان تاثیر مثبت داشته باشد (نعیمی تاجدار، ۱۳۹۵: ۱). رونالد هاس استاد دانشگاه متسارت شهر سالزبورگ اتریش معتقد است از طریق موسیقی می‌توان مصونیت انسان‌ها را در برابر بیماری‌ها تقویت کرد (Rauscher: 1993). دانشمندان در نخستین سده‌های اسلام موسیقی را اصلاً یونانی و شاخه‌ای از ریاضی دانستند (فخرالدینی و مانی، ۱۴۰۲: ۵۹). در رساله چهارم از رسائل اخوان الصفا که در باره علم موسیقی است اشاره شده به "اصل علم موسیقی حساب است" پس همچنان که عدد را نهایت نیست، و چنان که سخن را نهایت نیست پس الحان را نیز نهایت نیست (امینی لاری و محمودی به نقل از اخوان الصفا، ۱۳۸۸: ۴۸). فلمینگ معتقد است آنچه که موجب درک روح و زندگی درونی یک مردم می‌گردد، هنر (ادبیات، فلسفه و موسیقی) است که از طریق احساس شادی‌ها، ارزش‌ها و انگیزه‌هایی که باعث شده زندگی را قابل تحمل و معنار دار کند می‌توان آن را بررسی کرد (Missakian & Ilona, 2010: 1). کولپند (فروغ: ۱۳۹۴: ۱۲۵) درباره پیدایش موسیقی براین باور است، تردیدی نیست که در بین هنرهای هفتگانه، موسیقی موثرترین و گویاترین وسیله برای بیان عواطف و تمنیات درونی آدمی است. از این رو تاریخ پیدایش آن را با تاریخ ظهور انسان، انسان صاحب احساس، باید یکی دانست.

ابوعلی سینا معتقد است: موسیقی علمی است ریاضی که در آن از چگونگی نغمه‌ها، از نظرمالیمت و تنافر و چگونگی زمان‌های بین نغمه‌ها بحث می‌شود تا معلوم شود که لحن را چگونه باید تالیف کرد (الوندی و سپهر، ۱۴۰۱: ۵۳). ابن‌نصر فارابی در احصاءالعلوم موسیقی را علم شناسایی الحان می‌داند که شامل دو علم است: یکی علم موسیقی عملی و دیگری علم موسیقی نظری. امروزه نیز این تقسیم‌بندی در موسیقی وجود دارد (عباسی، ۱۳۸۴: ۵۳). افلاطون در تعریف موسیقی می‌گوید: موسیقی یک ناموس اخلاقی است که روح و جهانیان و بال به تفکر، وجهش به تصور، و ربایش به غم و شادی، و حیات به همه می‌بخشد (Kearney, 2020: 298).

جامعه‌شناسان، موسیقی را تنها یک پدیده غریزی صرف نمی‌دانند بلکه دارای ارتباط تنگاتنگ با سنت‌های اجتماعی، اعتقادی، جنسیت، پایگاه اجتماعی، اقتصادی، زیبا شناختی، تعاون و تعامل با فرهنگ‌های دیگر است (فرخ نیا و محمدی، ۱۳۸۹: ۲۸). افلاطون در کتاب «جمهور» خود در تعریف موسیقی می‌گوید: «موسیقی یک ناموسی اخلاقی است که روح به جهانیان و بال به تفکر، و جهش به تصور، و ربایش به غم و شادی، و حیات به همه چیز می‌بخشید.

همچنین روانشناسان براین باورند، موسیقی می‌تواند احساسات انسان را در حالات شادی و غم، در تنهایی و جمع، در جشن عروسی و عزا تحت کنترل گرفته و میزان تأثیر آن‌ها را چند برابر کند. تأثیرات موسیقی به قدری است که گاه از آن برای درمان برخی بیماری‌ها همچون اوتیسم استفاده می‌کنند چرا که سلامت روان را بهبود می‌بخشد (Huang, 984: 2022). روانشناسان تأثیر موسیقی بر انسان بدین گونه برشمرده که می‌تواند در آرامش؛ فرح بخشی، حزین؛ هیجان؛ نیروبخش؛ شیدایی و خواب آوری تأثیر گذار باشد (Stratton, 2015: 198). از نظر دانش پزشکی، موسیقی می‌تواند تمرکز انسان‌ها را بهتر کند. برای آرامش و مدیریت استرس موثر است. موسیقی دلنشین، می‌تواند احساس خوش بینی و نگرش مثبتی در میان افراد محلی ایجاد کند. «موسیقی انرژی را در ما بوجود می‌آورد و مارا از نظر احساسی و جسمی به حرکت

در می‌آورد (Merleau & et al, 2013). بنابراین موسیقی نوعی زبان اندیشه انسان در برابر طبیعت است. موسیقی به عنوان عامل مهم جغرافیایی در تکامل تمدن‌ها نقش اساسی داشته و از انجائی که اصوات موسیقی بر گرفته از شرایط محیط طبیعی و انسانی است به عنوان یک موضوع جغرافیایی تلقی می‌گردد. مطالعه موسیقی به صورت علمی در سال ۱۹۹۰ وارد ادبیات علمی جغرافیا گردید (Doughty: 2019). یکی از متنوع‌ترین مکان‌هایی که دارای بیشترین صداهای طبیعی را دارد نواحی کوهستانی است. تنوع چشم‌اندازهای نواحی کوهستانی از صدای حیات وحش آن گرفته تا صدای پرندگان و خود صدای طبیعت مانند نسیم بادهاری، صدای نهرها و جویبارها تولید می‌کند، حس زیبا و آرامش درونی خاصی را به انسان‌ها می‌بخشد. شاید همین امر "یکی از دلایلی باشد که کوهستان مامن بسیاری از پیامبران، عرفا، فرهیختگان و هنرمندان بوده است (منظمی؛ ۱۳۸۷).

موسیقی هورامی بنا به اقتضای شرایط محیطی ناهموار هورامان، از نوع موسیقیای کوهستانی تلقی و جلوه‌های زیبای این نوع موسیقی را می‌توان در ترانه محلی سیاه چمانه باز شناخت. سیاه چمانه به لحاظ ویژگی‌های خاصی که دارد می‌تواند آینه تمام نمای نوع معیشت، فرهنگ و هنر مردم هورامان باشد. در حقیقت آهنگ سیاه چمانه، چکیده‌ای از زندگی و احساسات پاک و بی‌آلایش افرادی است که روزی در کوهستان‌ها سپری کرده و امروزه در مناطق روستایی یکجا نشین بوده و دارای زندگی ساده دامداری می‌باشند. این پژوهش با رویکردی اکتشافی و طبیعت‌گرایانه به بررسی تأثیرات عوامل طبیعی بر موسیقی هورامی را از منظر جغرافیایی مورد بررسی قرار می‌دهد. در زمینه پیشینه پژوهش و ادبیات موسیقی در ارتباط با عوامل جغرافیایی متاسفانه از سوی جغرافیدانان کشور مطالعات علمی به خصوصی انجام نگرفته است و در سایر علوم می‌توان به پژوهش‌های معدود و محدود که بیشتر در زمینه پایان‌نامه انجام گرفته و چه بسا مقالاتی از آنها استخراج گردیده اشاره نمود (جدول ۱).

جدول ۱. زمینه مطالعاتی در زمینه موسیقی و تأثیرات آن

محقق	سال	عنوان	نتیجه‌گیری
ضیاءالدینی	۱۳۹۷	مطالعه فرم چپله‌های هورامان از منظر ارتباط اکلام و موسیقی	این پژوهش، پس مطالعه ساختارهای فرم کلام و موسیقی، نهایتاً از نقطه نظر ارتباط این دو، چپله‌های مورد مطالعه را در چهار فرم کلی طبقه‌بندی می‌کند
خاتونی و کلامی	۱۳۹۸	موسیقی طبیعت و انسان	یافته‌های نشان داد از طریق موسیقی می‌توان به آرامش طبیعت پی‌ببریم.
نعیمی تاجدار	۱۳۹۵	تأثیر موسیقی بر روی انسان	در این پژوهش تأثیرات موسیقی بر مغز انسان‌ها و تأثیرات متفاوتی که موسیقی بر روی رفتار انسان‌ها دارد مورد تحقیق قرار گرفته است.
امینی لاری و محمودی	۱۳۸۸	پرندگان و موسیقی	با جستجو در روایات کهن اساطیری؛ همچنین متون ادبی می‌توان رابطه پرندگان خوش نوا را با موسیقی بررسی کرد.
صحرایی	۱۳۹۲	مطالعه ابعاد زیبا شناختی و فرهنگی- آوازهای کهن نواحی زاگرس نشین (هوره)	هوره به عنوان بخشی از فرهنگ و فولکلور اقوام کرد و لر و لک حامل باورها و اعتقادات و آداب و رسوم مردمان زاگرس نشین می‌باشند.
احمدی پور	۱۳۹۳	نقش موسیقی کردی در آیین‌های بومی-محلی کرمانشاهان	موسیقی کردی در آیین‌های بومی و محلی مردم منطقه کرمانشاهان نقش بسیار زیادی دارد. این موسیقی در اشکال مختلف اعیاد؛ مراسم مذهبی و مجالش شادی استفاده می‌گردد.
Kearney	۲۰۱۰	The relation between music and geography	تحقیق در ایرلند انجام گرفته و نتایج نشان داد که عوامل طبیعی تأثیر شایانی بر خلق و رفتار انسانی دارد.
Singh & Mishra	۲۰۲۲	Geography of folk music through Biraha culture in Varanasi	مقاله به روش کیفی سعی کرده است تا رابطه بین موسیقی محلی بیراها و جنبه‌های تاریخی و جغرافیایی آن را مربوط به منطقه خاصی از بنارس که در آن این موسیقی با نحوه تولید در زندگی ارتباط دارد، لحاظ کند.
Huang	۲۰۲۲	Effects and Applications of Music Therapy on Psychological Health: A Review	موسیقی درمانی تأثیر شگرفی بر سلامت روانی افراد گذاشته است، بیماران را قادر می‌سازد درد، اضطراب و استرس کمتری را متحمل شوند و در نتیجه حالات عاطفی را بهبود می‌بخشد و سلامت روانی را برای بیماران به ارمغان می‌آورد.
Przerembski,	۲۰۰۴	The Multicultural Nature of Mountain-Folk Music in Poland. Musicology Today	پژوهش به جنبه‌های مختلف تاریخی و فرهنگی سنت‌های موسیقی در مناطق کوهستانی لهستان اختصاص دارد. تلاشی است برای توصیف احساس تمایز قومی در میان ساکنان کوه‌های تاترا و بسکیدی، تأثیر فرهنگ آنها بر هنرمندان و روشنفکران.

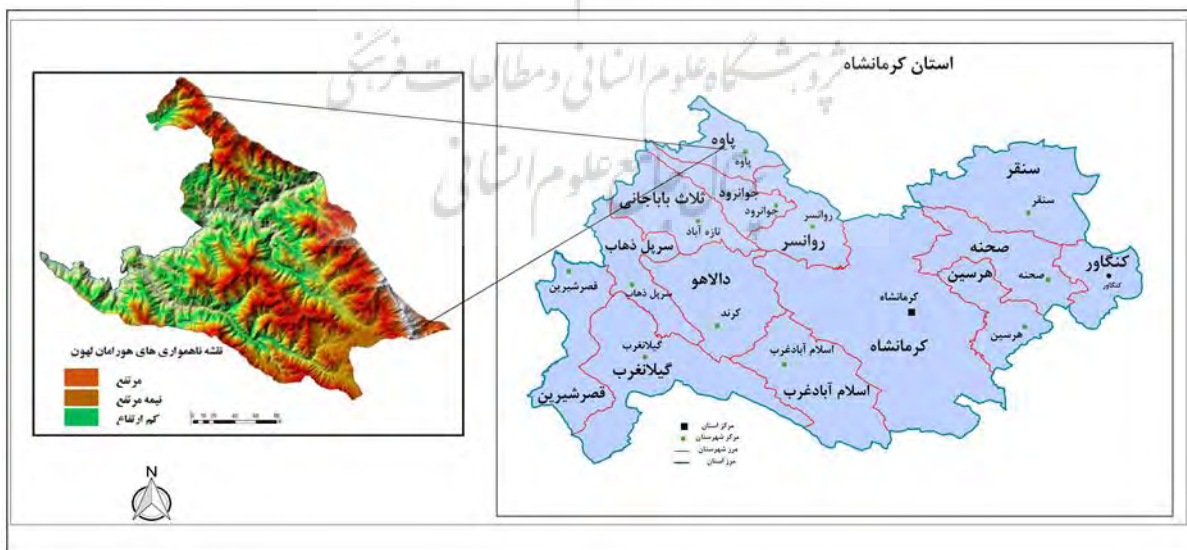
چگونه این روابط متقابل در طول قرن ها تکامل یافته است،

روش پژوهش

پژوهش به صورت توصیفی- تحلیلی و از نوع تحلیل محتوا که به صورت نیمه ساختار یافته با صاحبان اهل فن موسیقی محلی (هورامی) همچنین شاعران محلی که در شهرهای هورامان مانند پاوه و سایر شهرهای گردنشین که این افراد محلی به انجا مهاجرت کرده‌اند از جمله شهر مریوان، سنندج ساکن بودند، مصاحبه انجام گرفته است. بخشی دیگر از پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و جستجوگرهای اینترنتی به منظور بررسی مبانی نظری و پیشینه ادبیات پژوهش استفاده شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

محدوده هورامان از نظر موقعیت ریاضی بین عرض جغرافیایی ۳۴ درجه تا ۳۵ درجه شمالی و در طول جغرافیایی ۴۵ درجه تا ۴۶ درجه طول شرقی از شمال به شهرستان مریوان از جنوب به شهرستان روانسر و جوانرود از غرب به عراق و از شرق به شهرستان‌های سنندج و کامیاران محدود می‌گردد. مساحت تقریبی ۱۷۳۷۰ کیلومتر مربع است که در محدوده دو استان کردستان و کرمانشاه می‌باشد. از نظر شکل هندسی هورامان در امتداد رشته کوه زاگرس طولی شکل با جهت غربی- شرقی کشیده شده است. هورامان خود به سه ناحیه کوچک تر تقسیم می‌گردد بنام هورامان لیهون با مرکزیت پاوه دارای ۳۸ آبادی، هورامان تخت ۷۰ آبادی و هورامان زاوه رو شرقی و غربی ۴۴ آبادی است. از آنجائی که در شهرستان پاوه دو گروه هورامی و سورانی با هم زندگی می‌کنند تعیین جمعیت به صرف اورامی کاری چندان آسان نیست اما در سال ۱۳۹۵ برابر با ۶۰ هزار نفر جمعیت بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). در محدوده جغرافیایی استان کردستان جمعیت هورامان تخت که در محدوده جغرافیایی شهرستان سروآباد و اورامان زاوه رود شرقی و غربی در شهرستان‌های سنندج و کامیاران است در حدود ۸۵۸۷۰ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). در مجموع ۱۴۵۸۷۰ هزار نفر در محدوده جغرافیایی هورامان زندگی می‌کنند (سالنامه آماری استان کردستان، ۱۳۹۶). مرتفع‌ترین قله هورامان بنام زاوه ولی با ارتفاع ۳۳۹۰ متر از سطح دریا و روستای شیخان با ارتفاع ۶۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد (نقشه ناهمواری و شیب مراجعه گردد). از نظر جغرافیای انسانی، بیش از ۷۶ درصد جمعیت هورامان در روستاها زندگی می‌کنند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). ناهمواری‌های طبیعی زمین موجب گردیده شکل روستا به صورت V، روستاهای میان کوهی در قعر دره‌ها به شکل پلکانی و مطابق رویم قرار گرفته‌اند. چنین محیط جغرافیایی صرفا برای فعالیت‌های دامداری مناسب است به عبارتی جبر جغرافیایی، بستر توسعه معیشت دامداری از نوع اقتصاد آلمی را به ساکنین روستایی فراهم کرده است.



شکل ۱. نقشه محدوده و قلمرو جغرافیایی هورامان لیهون؛ منبع: نقشه تقسیمات سیاسی استان کرمانشاه- سازمان برنامه و بودجه استان کرمانشاه

یافته‌ها و بحث

نقش عوامل طبیعی بر متون ادبی ترانه‌های محلی

برپایه نقشه ۱/۲۵۰۰۰ ناهمواری‌ها، هورامان یکی از مناطق مرتفع و ناهموار استان‌های کرمانشاه و کردستان است. عامل شیب زیاد مانع توسعه فضایی-مکانی شهرها شده از این رو این منطقه مسکونی هورامان بیشتر روستایی است و معیشت آنها دامداری و دامپروری توأم با زندگی کوچ روی است. اساساً شیوه زندگی رمه گردانی نوعی ساده زیستی در آن مشاهده و آثار تسلط عوامل محیطی بر انسان مشاهده می‌گردد. تسلط عوامل محیطی بر کارکرد و رفتار ساکنین محلی بدان حد بوده که مردم هورامان از نظر لباس و کفش و حتی ظروف خوراکی مستقل و خودکفا بودند. از پشم گوسفندان لباس محلی به نام چوخورانک^۱ درست کرده و همچنین از نخ و پشم و لباس‌های دور مانده را به کفش تبدیل کرده و به نام کلاش^۲ معروف است، درست می‌کنند. از درختان بلوط چنگال و قاشق حتی شانه سر و از بوته زالزاک‌ها سبدهای متنوع درست می‌کردند. وابستگی ساکنین محلی به طبیعت از پوشش لباس فراتر رفته و تنوع پوشش گیاهی و نباتی موجب گردیده ساکنین محلی از گیاهان نه تنها در تهیه علوفه دامی بلکه از گیاهان به عنوان منبع مواد غذایی، دارویی، حتی از گیاهان خوشبو در خانه‌ها استفاده می‌کنند.

برای بیان ناهمواری‌های طبیعی و زندگی کوچ‌روی روی در هورامان از نقشه ناهمواری و شیب زمین استفاده شده است. براساس نقشه‌های ۱/۲۵۰۰۰ ناهمواری‌ها دامنه تغییرات ارتفاعی در این منطقه در حدود ۲۷۹۰ متر از سطح دریا است. به عبارتی این دامنه ارتفاعی بهترین دامنه ارتفاعی برای رویش مراتع بین ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ متر از سطح دریا است (ارزانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۵۵). مهمترین نوع پوشش گیاهی و جنگلی این محدوده در هورامان شامل بلوط، مازو، گلابی، زبان‌گنجشک (ون)، گردو، سیب وحشی، پسته وحشی (بنه)، زالزالک، آلبالو، ازگیل، بادام تلخ، داغداغان، نارون، افرا و بید وحشی است (مظفری و صفر پور، ۱۳۹۱: ۳۲). براساس تیپ‌بندی اقلیمی درمانت محدوده هورامان جزو تیپ اقلیمی نیمه مرطوب و براساس تیپ اقلیمی، آمبرژه از نوع سرد کوهستانی است (حنفی و حاتمی، ۱۳۸۷: ۲۷). براساس منطق بولین، نوع مراتع اورامان درجه بین ۱ و ۲ است (مظفری و صفر پور، ۱۳۹۲: ۳۷). تنوع شرایط ارتفاعی، شیب زمین، و شرایط اقلیمی مساعد، زمینه رویش گیاهان و نباتات علوفه‌ای و جنگلی را ایجاد و بستر زندگی دامداری و دامپروری را رونق داده است.

با توجه به شرایط محیط طبیعی ناهموار و تنوع پوشش گیاهی و شرایط اقلیمی هورامان، بستر زندگی کوچ نشینی و رمه گردانی طبیعت رونق داده و زیبایی‌های طبیعت، موجی از احساسات درونی رمه گردان‌ها را تحریک و نغمه‌هایی در وصف طبیعت که از نوع شکرگذاری از درگاه الهی است در قالب ترانه محلی سیاه چمانه خوانده می‌شود. دامداران کوچ رو هورامان از موسیقی به عنوان پیوند و حیات دوباره انسان با طبیعت نام و یاد می‌کنند. در متون موسیقی هورامی از عشق مجازی به ندرت سخن به میان آورده شده است آنچه در این موسیقی اصیل بیان می‌گردد، نوعی انس و الفت بین انسان با دام و طبیعت است. از صدای زنگوله دام‌ها و نسیم بهاری از یک طرف و صداهای زیبا و دلنشین پرندگان نوعی شور و شغف در میان کوچ نشینان به همگام کوچ ایجاد کرده که بیان این همه احساسات در ملودی سیاه چمانه تجلی پیدا می‌کند. وقتی سخن از سیاه چمانه به میان می‌آید نه تنها شیوه زندگی مردم هورامان را بازگو می‌کند بلکه رابطه انسان با طبیعت و سازگاری انسان با سختی‌های آن را نیز با زبان شعر و موسیقی بیان می‌کند. از این رو سیاه چمانه دارای بزم‌های متفاوت و متنوعی است که بدان اشاره می‌گردد.

انتخاب موسیقی محلی سیاه چمانه به دلیل متونی طبیعت‌گرایانه آن که از سبک و ملودهای متفاوتی برخوردار است. به عنوان مثال: وه هار نامه وه، ای هه وار هه وار^۳ و شه ن صدای کمه ره بزم کونه هه وار^۴، بزم هانه کون^۵، شاهو به رزا^۶ نام برد. این نوع بزم یا سبک ترانه محلی که بر حسب شرایط و موقعیت‌های جغرافیایی هورامان، متفاوت و براساس جایگاه و مناطق بیلاقی هر محدوده نام برده می‌شوند. این بدان معناست که هر ناحیه جغرافیایی در هورامان دارای مناطق بیلاقی خاص خود را داشته و در توصیف آن به هنگام کوچ از آن مناطق و چشم

^۱ -Choghoranak

^۲ -Kelash

^۳ - بهار آمد

^۴ ای بهار، بهار

^۵ - صدای کوهستان

^۶ -خانه‌های بیلاقی

^۷ - نام یکی از مناطق بیلاقی (چشمه قدیمی)

^۸ - شاهکوهی بزرگ و بلند (دامنه شاه کوه محل بیلاق کوچ نشینان هورامی)

اندازهای زیبای آن تعریف و تمجید می‌گردد. به عنوان مثال در گذشته دامداران پاره ای دو مسیر متفاوت کوچ را انتخاب کرده بودند. عده ای به دامنه شاهکو در محلی به نام بی میری^۱ که کنه له^۲ و عده ای دیگر به دره میراباد^۳ سردره^۴ هه نه برالو^۵ و مارانی^۶ کوچ می‌کردند. به همین ترتیب در رشته هورامان تخت که ادامه رشته کوه شاهکو و زاگرس است، می‌توان به مناطق بیلاقی خود به نام هانه جمه^۷ دره ویان^۸ هانو لاری^۹ و در محدوده بین نودشه و نوسود تا مرز ایران و عراق محدوده بیلاقی هورامان لهون به نام دالانی^{۱۰}، نوی جر^{۱۱}، هه یات^{۱۲}، هانمو^{۱۳} و مه ره^{۱۴} و در هورامان منتهی به سروباد و پالنگان به طرف سنندج و کامیاران می‌توان به مناطق بیلاقی هی شور^{۱۵}، سه ردشت^{۱۶}، دول دله مرزی^{۱۷} و گولی^{۱۸} اشاره داشت. وجود این مناطق بیلاقی متعدد و متنوع از نظر جغرافیایی که تعداد معدودی از آنها ذکر گردید، مؤید حرکت دامداران کوچ نشین در گذشته بوده و در حال حاضر در برخی مناطق مانند هورامان ژاوه رو، این روند ادامه دارد.

همان طوری اشاره گردید نوع کوچ روی در هورامان از نوع عمودی یعنی از مناطق کم ارتفاع به سمت مناطق مرتفع و کوهستانی انجام می‌گیرد. به هنگام کوچ از موسیقی محلی بنام سیاه چمانه بزم کونه هه واران^{۱۹} و بزم چپله (کف زدن) خوانده می‌شود. این نوع ملودی هورامی نه تنها موجب رفع خستگی می‌گردد بلکه رقص و شادی به افراد کوچ رو انرژی مضاعفی می‌بخشد. مفهوم و پیام اصلی نوعی شکر گذاری از زیبایی های طبیعت به زبان موسیقی محلی است. از ویژگی سیاه چمانه به عنوان مهمترین آواز کلامی، فاقد آلات موسیقی بوده و به صورت دوصدایی همراه با کف زدن خوانده می‌شود. به هنگام خواندن سیاه چمانه معمولاً از صدای پرنده گانی همچون کبک به عنوان آهنگ و آلات موسیقی استفاده می‌شود. در متون هورامی برخلاف متون ادبی فارسی که از بلبل به عنوان سمبل خوش صدایی اما در ادبیات هورامی از کبک به عنوان الگوی خوش صدایی نام برده می‌شود. دومین ویژگی سیاه چمانه به گونه ای است که در ابتداء از بزرگان ایل و تبار به احترام یاد می‌گردد. سپس جلوه های زیبای طبیعت، مناطق و مناظر با نظم و نثر خاصی نام برده و در پایان توصیه هایی در حفظ محیط زیست خوانده می‌شود. قداست ادبی این نوع موسیقی بدان حد است که با ورود اسلام به این منطقه نه تنها این سبک موسیقی تغییر و از میان نرفت بلکه نوع ملودی و سبک ادبی آن وارد متون عرفانی و مذهبی در ارایش گردید. براین اساس امروزه سیاه چمانه را به دو بخش عرفانی و سنتی تقسیم می‌کنند.

از نظر ملودی سیاه چمانه، آوازی است که دامنه ملودیک آن حول سه نت (سه صدا) در محدوده ی دوم کوچک و بزرگ و سوم کوچک با تحریر های بسیار طولانی (تا انتهای توان نفس گیری خواننده) و پشت سرهم اجرا می‌شود. البته صدای چهارمی هم گاهی به صورت و اخوان استفاده می‌شود. سیاوچه مانه ترکیب دو واژه «سیاو» و «چه م» و پسوند «انه» است سیاو به همان معنای سیاه در زبان فارسی است و چه م معانی گوناگونی از جمله چشم، رودخانه، بیشه کنار رودخانه، خم و خمیده دارد (اردلان و احمدی، ۱۳۹۲: ۹۵). سیاچمانه بصورت تند و کند یا همان (سریع) و (خاو) خوانده می‌شود و تماماً در اواخر هر مصرع از آن لفظ لیل (کنا لیل - تخوا لیل - آخ لیل - تخوا آخ لیل - گیانه - که - م لیل و...) بصورت کشیده و مرتب تکرار می‌شود که پایان دهنده هر مصرع است. سبک ریتمی موسیقی سیاه چمانه به دو صورت است اول سیاه چمانه به رزه چر^{۲۰}

1 -Bemerie

2 -Kanalah

3 -Daro Meravah

4 -Sardarah

5 -Hanah Berallo

6 -Marani

7 -Hana jemah

8 -Daravayan

9 -Hano Lari

1 -Dalani

0

1 -novaijar

1

1 -Hayat

2

1 -Hanamo

3

1 -Marah

4

1 -Haeshor

5

1 -Sardasht

6

1 -Dolh dalamarz

7

1 -Goli

8

1 -konah havaran

9

2 -Barzac'r

0

و دوم چه پله (کف زدن) الهام گرفته و به سیاه چمانه "به رزه فر" به معنای بلند و "چر" به معنای سرودن است. اما بزم یا آهنگ چپله توام با کف زدن گروهی و یا دوتایی (دو خواننده) است که توام با رقص گروهی آغاز می‌شود.

بررسی‌های میدانی از طریق مصاحبه با موسیقی‌دانان و خوانندگان محلی و افراد باسواد در این زمینه نشان داد که متون ادبی ترانه‌های محلی بیشتر در وصف طبیعت و زیبایی‌های آن و موسیقی آن از طریق کف زدن و به صورت دوصدایی در کنار صدای چریکه و دلنشین کبک‌ها خوانده می‌شود. بی شک با ورود تکنولوژی به عرصه زندگی، شاهد تغییراتی در آلات موسیقی محلی و حتی متون ادبی (اشعار) بوده و اشعار محلی که مضمونی از عشق مجازی است جای واژگان طبیعی را گرفته‌اند. با این وجود ابزارهای متداول در موسیقی محلی هورامان بیشتر شمشال، نی، دف و جدیداً هم اورک به آنها اضافه شده است.

تاثیر پرندگان بر سیاه چمانه

بی شک آواز پرندگان و آهنگ موزون موسیقی با نیروی سحرآمیز آن در شکل‌گیری احساسات بشری نقش بسزایی داشته است و این نواهای شاد سبب شادی روان انسان می‌شود (خاتونی و کلاهی، ۱۳۹۸:۲). چشم‌اندازهای کوهستانی و کوهپایه‌ای و دره‌ای سبب تنوع بخشی به محیط طبیعی، جریان روان جوی‌ها، رودها و رشد پوشش جنگلی، گیاهی و نباتی شده و بستر زیست انواع پرندگان همچنین حیوانات کوهی و وحشی را فراهم آورده است. در فصل بهار این فقط انسان نیست روح شادی و سرور را در وجود خود زنده می‌کند بلکه پرندگان با رقص و صدای خود صدای دلنشین و آرامی که دارند به محیط پیرامون حس زیبایی می‌بخشند. وقتی انسان در دامن طبیعت این تنوع صدای چپله چپله پرندگان و زیبایی‌های طبیعت را می‌شنود و می‌بیند، بی‌درنگ زن و مرد همدوش و همراه هم احساسات درونی، ذوق و شادی خود را از طریق خواندن و رقص و سما در دامن طبیعت نشان می‌دهد. همانطور اشاره رفت انسان با الهام از صداهای طبیعت و پرندگان، صداهایی منظم از خود تولید کرده است. براساس بررسی‌های میدانی انجام گرفته نشان می‌دهد، سبک ملودی سیاهچمانه تشابهات نزدیکی با صدای کبک دارد و چه بسا انسان از این پرند تقلید و چه را آن یاد گرفته باشد. دلیل دیگر آنکه معمولاً به هنگام خواندن سیاهچمانه از صدای کبک‌هایی که در بند قفس هستند، استفاده می‌شود. "در باره قدمت سیاهچمانه باید اذعان داشت که آنچنان که روایت شده سیاهچمانه اولین بار در حضور پیشالیار/ پیشالیار زردشتی که به روایتی از مغان زرتشتی اورامان بوده، اجرا شده است (عزیزی، ۱۳۸۶). از معروفترین ترانه‌هایی که در وصف پرندگان و حیوانات خوانده می‌شود: ژه رژ مه وانو، عه زمی سه یاد، قازی قولنگ، که لان پی که لان، هی شوانه شوانه، واقعیت امر این است، حس زیبا شناسانه در متون ادبی موسیقیای کوهستانی مناطق هورامان توام با صدای دلنشین پرندگان و زیبایی‌های طبیعت، همه با هم به نحوی آثار خلقت را به نمایش و حس سپاسگزاری به تصویر می‌کشد.

تاثیر پوشش گیاهی بر سیاه چمانه

بررسی پوشش گیاهی و جنگلی ارتباط نزدیکی با نوع معیشت دامداری و زندگی کوچ روی دارد. دامداران به اقتضای شرایط محیطی خود مجبور به جابجایی جهت تغلیف دام‌ها بوده و هرچه این ارتفاعات بیشتر و متنوع‌تر باشد نوع رویش پوشش گیاهی متفاوت و متنوع‌تر خواهد بود. به طور کلی دو عامل شرایط آب و هوایی توام با ناهمواری‌ها نقش اساسی در رونق زندگی دامداری و کوچ روی دامداران اورامان داشته است. تنوع پوشش گیاهی در نتیجه تاثیرات شرایط آب و هوایی و تنوع ارتفاعات موجب تداوم طول دوره تغلیف می‌گردد. با آمدن فصل بهار و چشم-اندازهای زیبای طبیعت، ذوق و شوق و رفتن به دامن طبیعت از سوی دامداران بیشتر می‌گردد.

وقتی سخن از پوشش گیاهی به میان می‌آید گرچه بخش اعظم آن مربوط به تغلیف دام‌هاست اما یک سری از پوشش گیاهی وجود دارند که ارزش دارویی مانند (آویشن کوهی، شیرین بیان، تره کوهی، غاز یاغی، تره وحشی و...) بخشی دیگر گیاهان خوراکی (شنگ، ریواس خارخسک، والک، پونه و...) و گیاهان تزئینی و خوشبو مانند چوپر، نعنای زینتی، گل مریم کوهی و...) را دارند که به نوبه خود حایز اهمیت هستند. از طرف دیگر پوشش گیاهی وحشی خودرو به عنوان منبع غذایی برای سایر حیوانات کوهی و پرندگان محسوب شده و موجی از صداهایی که نشان از

۱ - صدای کبک می‌آید

۲ - شکارچی

۳ - پرندۀ غاز

۴ - گوزن

۵ - هان ای چوپان

شادی پرندگان توام با صداهای دیگر طبیعت در کوهستان بهم می‌پیچد. این پیچیدگی های صدا در طبیعت توام با زیبایی های آن، اذهان و افکار هر هنرمند و خواننده‌ای را به سوی خود می‌کشاند و در وصف این همه زیبایی ها با زبان شعر و موسیقی توام با رقص و سما پرداخته و احساسات درونی خود را به نمایش و در واقع نوعی شکرگذاری و نیایش به درگاه حق تعالی را به جا می‌آورد.

(تارو رام که وته ن کونه هه واران نه ده نگ بولبول نه سه دای یاران)

امروز گذرم بر مکان بیلاق یاران (گذشتگان) افتاد، خالی از سکنه بود؛ در گذرئیلاقی یادی از کسانی می‌شد که امروز در میان آنها حضور ندارند که صدای آنها مانند بلبل تشبیه کرده‌اند. در بخشی دیگر در وصف فصل بهار آمده است:

(وّه‌ه‌ه‌ه‌ن سه‌وزه‌ن ئاوه‌ن سه‌رکاوه‌ن ه‌ه‌ه‌ه‌ی وه‌فراوه‌ن شاخه‌ی شه‌تاوه‌ن) «مولوی گرد»

ترجمه: بهار آمد (هنگام کوچ فرا رسید) آب از کوهستان‌ها جاری شده، صدای پای آب شدن برف‌ها همانند آبشار رودخانه‌ها جاری و روان است. بنابراین همبستگی و وابستگی شدیدی میان عوامل طبیعی از طریق متون ادبی با موسیقی محلی برقرار می‌گردد، که یکی از زنجیره‌های اصلی و ارتباطی آن وجود تنوع و تراکم پوشش گیاهی و جنگلی است. در ترانه سیاه چمانه از گیاهانی نام برده می‌شود که در ارتفاعات بلند مانند گل چوپر (چنور)، رویش کرده و در عین حال از گل بنفشه یاد می‌گردد که در دامنه‌های پست و در کنار رودبارها و جویبارها رویش می‌کند. توصیفات از گل و گیاه و علوفه‌های دامی نشان از حس قدر دانی از سفره طبیعت است. از مهم‌ترین ترانه‌های محلی در وصف گل و گیاه را می‌توان به سبک‌های سیاه چمانه محلی هه راله سوره (گل مریم کوهی، چنور (چوپر)، که مر برزه له نگ نام برد.

نتیجه گیری

پژوهش با هدف بررسی نقش آفرینی موسیقی محلی هورامی بر پیوند جوامع محلی کوهستانی با تاثیر پذیری از محیط طبیعی انجام گرفته است. موسیقی و متون ادبی ترانه‌های محلی هورامی بالاخص سیاه چمانه ارتباط تنگاتنگی با محیط جغرافیایی خود دارند. چگونگی این ارتباط را می‌توان در نوع معیشت و تاثیر عوامل طبیعی بر سبک متون ادبی و نوع موسیقی آنها جستجو کرد. در ترانه سیاه چمانه، به عنوان نماد ترانه‌های محلی هورامان به وضوح به نقش و تاثیرات پوشش گیاهی و شرایط آب و هوایی در پیدایش زندگی کوچ روی و اقتصاد شبانی تاکید و یاد آوری شده است. در ترانه محلی سیاه چمانه از ناهمواری‌ها، پوشش گیاهی و منابع آب جاری به عنوان سرچشمه زندگی حیات زندگی و رونق زندگی دامداری نام برده شده است. استفاده از صدای پرندگانی همچون کبک در موسیقی هورامی بخشی جدایی ناپذیر از موسیقی محلی است. حتی از این صداها به هنگام خواندن ترانه‌های محلی از جمله سیاه چمانه استفاده می‌گردد. این نوع موسیقی عاری از آلات موسیقی است و بعضاً از طریق کف زدن و دو صدایی (دو نفری) ترانه ها خوانده می‌شوند. همه این موارد نشانه‌های هم پیوندی موسیقی هورامی (سیاه چمانه) با محیط طبیعی و شرایط زیست در هورامان است.

موسیقی هورامی به عنوان یکی از موسیقیای از نوع کوهستانی است که الهام پذیری آن از صدای پرندگان؛ صدای نهرها و جویبارها به وصف طبیعت و تاثیرات آنها بر زندگی مردم محلی می‌پردازد. آنچه که موجب ثبات و پایداری ترانه‌های محلی سیاه چمانه در طول دوره‌های مختلف تاریخی شده است، وجود مفاهیم ادبی که بر گرفته از مفاهیم اجتماعی و فرهنگ محلی است که سینه به سینه به ارث رسیده است. به عبارت دیگر در متون ادبی سیاه چمانه در اصل از مفاهیم مجازی نامتعارف و نابه‌هنجاری استفاده نشده است. بلکه آنچه بیان می‌گردد صرفاً در وصف طبیعت و عوامل آن مانند کوهسارها، رودخانه‌ها، گل های معطر و تزئینی همچنین علوفه‌های دامی به عنوان سمبل زندگی و عامل حیات نام برده می‌شود. بررسی سبک ادبیات متین سیاه چمانه موجب گردد این سبک از موسیقی به نوبه خود بر روی ادبیات اشعار مذهبی و عرفانی تاثیر بگذارد. دروایش و دیگر گروه‌های مذهبی از سبک و متون ادبی سیاه چمانه در سما و نیایش خود از این نوع موسیقی بهره می‌گیرند. اما این نوع موسیقی امروزه به دلیل گسترش روابط شهر و روستا همچنین پیشرفت و تنوع در آلات موسیقی به مرور در حال تهدید و رو به فراموشی است. بنابراین در پارادیم تقابل فرهنگی امروز، لزوم درک و پاسداشت از فرهنگ کهن جغرافیایی اقوام از جمله فرهنگ فولکلوریک هورامی، به عنوان یک ضرورت تاریخی به شمار می‌آید. پیشنهاد دوم از طریق برگزاری جشنواره‌های موسیقی به صورت منطقه‌ای و ملی می‌توان در اشاعه و تقویت فرهنگی بومی و محلی کمک کرد. سوم جهت اهتمام و توجه به جامعه عشایری و روستایی می‌توان در مناطق بیلاقی جشنواره‌های محلی ایجاد و تورهای گردشگری را در منطقه تقویت کرد. چهارم با ایجاد نمایشگاه‌های محلی و روستایی می‌توان در اشاعه فرهنگ صنایع دستی و حفظ بنیه اقتصاد روستایی جامعه عشایری کمک کرد.

سپاسگزاری

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با همین عنوان از دانشگاه پیام نور استان کرمانشاه. از همکاری و مساعدت مالی ریاست و دیگر همکاران دانشگاه کمال تقدیر و تشکر را دارد.

منابع

- احمدی پور روناک، مختاباد عبدالحسن، مفصودی مجتبی (۱۳۹۳) نقش موسیقی کردی در آیین‌های بومی-محلی کرمانشاهان، مجله مدیریت فرهنگی، ۸(۲۶)، ۹۵-۱۱۵. <https://www.sid.ir/paper/199507/fa.95-115>
 اردلان حمید رضا؛ احمدی مهدی (۱۳۹۲) موسیقی هورامان؛ نامه هنرهای نمایشی و موسیقی. ۷-۱۱۴-۹۱. Doi:10.30480/dam.2013.79
- ارزانی حسین، میرکی فرهنگی، عرفان زاده رضا (۱۳۸۵) اثر ارتفاع از سطح دریا و مراحل فنولوژی بر کیفیت علوفه سه گونه مرتعی در استان کردستان (منطقه سارال) نشریه علوم و صنایع کشاورزی، ۲۰(۱)، ۱۶۷-۱۵۶. www.sid.ir/paper/437801/f
- امینی لاری لیلیا؛ محمودی خیرالله (۱۳۸۸) پرندگان و موسیقی، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. ۴۵(۱). <http://ensani.ir/fa/article/11980>. ۴۵-۵۸
- الوندی زهرا، سپهر سراج (۱۴۰۱) جایگاه مخاطب در نظریه موسیقی ابن سینا، نشریه: حکمت سینوی (مشکوه‌النور)، دوره ۲۶ شماره ۶۷ ص: ۲۷۹-۲۶۱.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۴۰۳) موسیقی شعر، انتشارات آگاه، تهران
- ضیال‌الدینی، کزوان (۱۳۹۸) مطالعه فرم چپله های هورامان از منظر ارتباط کلام و موسیقی، نشریه هنرهای زیبا، ۲۴(۳)، ۸۱-۶۰. doi: jfadram.2019.263659.615238/۱۰.۲۲۰۵۹
- عزیزی، سیروس (۱۳۸۶). سیاحانه هورامی. <http://sarkav.blogfa.com/post/125>
- فرخ نیا رحیم، محمدی، ابراهیم (۱۳۸۹) موضوعات محوری در موسیقی شناسی قومی کردهای ایران، مجله هنرهای نمایشی شماره ۴۰. ۳۷-۲۷. https://journals.ut.ac.ir/article_22891.html
- فخرالدینی فرهاد، مانی بابک (۱۴۰۲) تجزیه و تحلیل و شرح ردیف موسیقی ایران، ناشر معین، تهران
- فروغ، مهدی (۱۳۹۴) موسیقی: چگونه از موسیقی لذت ببریم، آروند کویلند، مترجم فروغ مهدی، انتشارات شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- حنفی، علی، حاتمی، ایرج (۱۳۸۷) تهیه نقشه اقلیمی استان کردستان با استفاده از سیستم های اطلاعات جغرافیایی، مجله سپهر، ۲۲(۸)، ۲۸-۲۴. <https://www.magiran.com/paper/1251949>
- خاتونی، نگین، کلاهی، مهدی (۱۳۹۸) موسیقی طبیعت و انسان، نشریه ترویج علم، پائیز و زمستان (۱۷). ۳۵-۱. Doi:20.1001.1.22519033.1398.10.2.5.9
- صحرايي، فردین (۱۳۹۲) مطالعه و بررسی ابعاد زیبا شناختی و فرهنگی آوازهای کهن نواحی زاگرس نشین (هوره). پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه هنرهای اسلامی تبریز؛ دانشکده فرش. www.virascience.com/thesis/695875
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶) سرشماری جمعیت استان کردستان و شهرستان پاوه، سال ۱۳۹۵.
- ماجدی حمید، شاملوکیا شبنم (۱۳۹۰) بررسی تأثیر طبیعت و محیط زیست در موسیقی ایران"، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره سیزدهم، ۲. ۱۰۳-۹۵. https://jest.srbiau.ac.ir/article_100.html
- مظفری، غلامعلی، صفریور، فرشاد (۱۳۹۲) مدل اکولوژیکی پهنه بندی مراتع استان کردستان با تأکید بر عناصر اقلیمی دما و بارش، جغرافیا و پایداری محیط، ۳(۶): ۳۹-۲۳. <https://www.magiran.com/paper/1172767>
- منظمی شهرام (۱۳۸۷) مقدمه ای بر گونه شناسی انواع موسیقی لرستان" نشریه هنرهای زیبا؛ ۳۶. ۱۲۹-۱۲۴. https://journals.ut.ac.ir/article_27355.html
- نعیمی تاجدار، هدی (۱۳۹۵) تأثیر موسیقی بر روی انسان، چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی سن پترزبورگ روسیه، ۷. ۹-۱. <https://www.sid.ir/paper/867327/fa>
- Bonde, L. O. (2011). Health Musicing-Music Therapy or Music and Health? A model, empirical examples and personal reflections. Music and arts in action, 3(2), 120-140. musicandartsinaction.net/index.php/maia/article/view/healthmusicmodel.
- Canova, N. (2013). Music in French geography as space marker and place maker. Social & Cultural Geography, 14(8), 861-867.

- Doughty, K., Duffy, M., & Harada, T. (Eds.). (2019). *sounding places: More-than-representational geographies of sound and music*. Edward Elgar Publishing.
- Kearney, D. (2010). Listening for geography: the relationship between music and geography. *Chimera*, 25, 47-76. https://eprints.dkit.ie/251/1/Hearing_geography.pdf
- Kearney, Daithi (2020) Soundscapes: geographies of sound and music. In: *International Encyclopedia of Human Geography*. Elsevier, pp. 297-304. ISBN 9780081022955
- Huang, J., & Li, X. (2022, January). Effects and applications of music therapy on psychological health: a review. In *2021 International Conference on Public Art and Human Development (ICPAHD 2021)* (pp. 984-989). Atlantis Press. Huntington, Ellsworth. Civilization and climate. London, 1948. Doi:10.2991/assehr.k.220110.186
- Merleau-Ponty, M., Landes, D., Carman, T., & Lefort, C. (2013). *Phenomenology of perception*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203720714>
- Przerembski, Z. J. (2004). The Multicultural Nature of Mountain-Folk Music in Poland. *Musicology Today*, (1), 116-130. Doi:2554acb3-bfcc-3b14-b86f-31001b6e37b5
- Rauscher, Frances H.; Shaw, Gordon L.; Ky, Catherine N. (1993). "Music and spatial task performance" (PDF). *Nature* 365 (6447): 611. Doi: 10.1038/365611a0. PMID 8413624. doi: 10.1038/365611a0.
- Singh, S., & Mishra, A. P. (2022). Geography of folk music through Biraha culture in Varanasi. *National Geographical Journal of India*, 67(1), 111-121. DOI: 10.48008/ngji.1764
- Stratton, J. (2015). *Popular Music, Race and Identity*. The SAGE Handbook of Popular Music. London: SAGE Publications, 381-400.
- stratton, VN. & zalanowski, Annette H (1984) The relationship between music, degree of liking, and self-reported relaxation, *journal of music therapy* 21(4), 184-192. DOI:10.1093/JMT/21.4.184
- Wade-Matthews, M., & Thompson, W. (2011). *The encyclopedia of music: Musical instruments and the art of music-making*. Lorenz Books, 512pp. Music-Musical-Instruments-Music-Making/dp/1843094363

